

گپی با بانوی آوازهای بی مرز؛ پری زنگنه



کتاب نامها آوای بانوان و تشکیل گروه کربا بانوان

پریخ شاهیلانی (زنگنه) هنرمند کاشانی تبار، آواز ایرانی و اپرا را در نزد اساتیدی چون نصراله زرین پنجه و خانم اولین باغچه بان فراگرفت و طی ده سال با اهداف آرمانی خود مرزهای کشور را به یک سو نهاد و با اجرای برنامه های گونه گونه به زبانهای مختلف دنیا، آوای دل انگیز خود را در صحنه های بین المللی طنین انداز ساخت.

پری زنگنه چند سالی است کز علاوه بر برگزاری کلاس های موسیقی و آواز به خلق آثار نوشتاری نیز می پردازد که مهم ترین آن کتاب آوای نامها از ایران زمین است وی با الهام از گونه گونی زیبایی سحرآمیز طبیعت و فرهنگهای بومی آثاری نیز به ویژه برای کودکان و نوجوانان منتشر کرده است.

خانم زنگنه کنسرت شما در افتتاحیه سومین بازی های بانوان مسلمان کشورهای اسلامی و غیر اسلامی چه ویژگی هایی دارد؟ مایک گروه کربا بانوان را تشکیل داده ایم که اعضای آن بانوان نابینا از موسسه عصای سفید و جامعه معلولین و تعدادی از شاگردان کلاس های خصوصی ام هستند این برنامه دوم ایام ماه دراستادیم آزادی برای هجده هزار نفر شرکت کننده، اجرا می شود.

سرپرست از کستر مهور احمدی - دختر شاعر بزرگ احمد رضا احمدی - و به استادی آقای حمید یوسفی از جامعه معلولین است. چه ترانه هایی را اجرا خواهید کرد؟ ترانه های محلی آیا این حرکت ادامه پیدا خواهد کرد؟

بله ان شاءالله ما یک گروه کر ملی را تشکیل می دهیم که در شهرستان ها هم برنامه داشته باشد.

تمرینهای گروه شما در چه محلی انجام میشود؟ به پیشنهاد من تمرین هادر موسسه عصای سفید انجام می شود که ریاست آن بر عهده محمدرضا نامینی، از شاگردان استاد فضائلی، است. رفت و آمد مدعوین به این موسسه کمکی هست برای شناخته شدن آن نزد عموم.

هدف شما از تشکیل این گروه چیست؟ اگر حرکتی برای زنان ایجاد میشود باید همه بانوان جامعه را شامل شود بانوان آسیب دیده عضو، جامعه معلولین و... در این گروه چند خانم حضور دارند که روی صندلی چرخدار می نشینند و بانوان نابینا و بینا هم با همدلی در کنار هم در این گروه فعالیت میکنند.

این حق بانوان معلول است که در کنار دیگران باشند و از جامعه کنار گذاشته نشوند و با غرور به فعالیت هنری بپردازند پس این حرکت، یک حرکت هنری است و علاوه بر آن انسانی ست و نشان دهنده هماهنگی همه بانوان.

تاثیر فعالیت این گروه چیست؟ تاثیر آن بسیار عالی و چشمگیر است. چون احترام افرادی که آسیب دیده عضو هستند یک بار دیگر به جا آورده میشود دیدن هنرنمایی نابینا و معلولان در کنار غیر معلولان امری غرور آمیز است و احساس همیاری و همدردی را گسترش میدهد.

نگاهی به جرم سازمان یافته

وودی آن/ ترجمه احسان نوروزی

این اثر مربوط به دوره اول کاری وودی آن و پیش از فیلمسازی اوست. یک نوع شوخی نویسی که اصطلاحاً به نیویورکری معروف است.

بر کسی پوشیده نیست که جرایم سازمان یافته در آمریکا بیش از چهل میلیارد دلار در سال خرج برمی نهد. رقم پرمغنی است، مخصوصاً اگر حواسمان باشد که مافیا پول چندانی برای هزینه های دفتری نمی پردازد. منابع موثق خاطر نشان کرده اند که در سال گذشته، کوزا نوسترا حتی کم تر از شش هزار دلار خرج نوشت افزار شخصی کرده و مبلغی که برای سوزن منگنه پرداخته بسی کم تر بوده است. علاوه بر این، آن ها یک منشی دارند که همه کارهای تایپی را انجام می دهد و فقط سه اتاق کوچک را به مرکز فرماندهی شان اختصاص داده اند که آن هم با استودیوی رقص فرد پرسکی مشترک است.

سال گذشته، جرایم سازمان یافته مستقیماً مسؤول بیش از صد قتل بود و با قرض دادن کرایه ای ماشین به قاتلان یا نگاه داشتن کت آن ها، به شکل غیر مستقیم در صدها قتل دیگر مشارکت داشته. فعالیت های غیر قانونی دیگری که اعضای کوزا نوسترا در آن ها شرکت داشته اند شامل قمار، مواد مخدر، فحشاء، هواپیماری، نزول خواری، و انتقال یک ماهی سفید بزرگ از مرز ایالتی برای مقاصد غیر اخلاقی است. این امپراتوری فاسد حتی به خود دولت نیز دست درازی کرده است. همین چند ماه پیش دو گانگستر کله گنده که تحت تعقیب دولت فدرال هستند شب را در کاخ سفید سپری کردند در حالی که جناب رییس جمهور شب را روی کاناپه سر کرد.

تاریخ جرایم سازمان یافته در ایالات متحده

در ۱۹۲۱، تامس (قصاب) کاولو و چیرو (خیاط) سانتوچی تلاش کردند گروه های قومی جنایی جدیدی تشکیل دهند و به همین خاطر به شیکاگو عزیمت کردند. این مصادف شد با زمانی که آلبرت (پوزیتیویست منطقی) کوریلو با محبوب کردن کید لیسکی در گنجی و مکین تمام هوای درون آن به وسیله ی نی، او را ترور کرد. مندی (الیاس مندی لوپس، الیاس مندی لارسن، الیاس مندی الیاس)، برادر لیسکی، با ربودن گانانو (مشهور به تونی کوتول، یا رابی هنری شاریستان)، برادر سانتوچی، و پی از چند هفته، بازگرداندن او در بیست و هفت ظرف جنایی بنایی، کار او را تلافی کرد. این نشانه ای آغاز حمام خون بود.

دومینیک میونه بیرون یک بار در شیکاگو به لورنزو خوش شانس (این اسم مستعار وقتی باب شد که بمبی که بر کلاهش فرود آمد نتوانست او را بکشد) شلیک کرد. در عوض، کوریلو و آدم هایش رد میونه را تا توارک گرفتند و سرش را به باد دادند. آن موقع بود که گروه گانگستری ویتاله به رهبری جوزپه ویتاله (با نام واقعی کوینسی بدکر) شروع کرده بودند به دست گرفتن تمام قاچاق محله ی هارلم و گرفتن جای لری دوویل ایرلندی - قاچاقچی بی که آن قدر به همه مظنون بود که نمی گذاشت هیچ کس توی نیویورک پشتش باشد و حتی وقتی در خیابان هم قدم می زد دائم دور خودش می چرخید. دوویل وقتی کشته شد که شرکت بساز یفروشی اسکوییلانته تصمیم گرفت دفتر جدیدش را جفت او پنا کند. حالا دیگر جانشین دوویل، لیشل پیتی (بیگ پیتی) برای، قدرت را به دست گرفته بود، ویتاله را تصاحب کرد و به این بهانه که از آن جا برای برگزاری مهمانی های لباس استفاده می شود، به تدریج تبدیل کرد به یک گاراژ خالی در وسط شهر. شکی نیست ویتاله ای که تبدیل شده بود به گاراژ بزرگ قتلای بیچی شده، بلافاصله پر شده بود از گلوله ی مسلسل. افراد ویتاله، فارغ از وفاداری به رییس مقتول شان، بلافاصله به راس روی آوردند. همان کاری که بیامورتی، نامزد ویتاله، هم کرد؛ رقاصه و ستاره ی نمایش موزیکال و جنجالی برادوی با عنوان «بگو کدیش» که به ازدواجش با راس منتهی شد، هر چند که بعدها تقاضای طلاق کرد با این اتهام که راس نرم کننده ی بدنی برایش استفاده می کرده.

وینسنت کلو مبرارو، ملقب به نون کره ای اعظم، از ترس مداخله ی پلیس

فدرال، برای ادای شهادت فراخوانده شد. (کلو مبرارو چنان کنترلی روی نان کره ای های صادراتی وارداتی نیوجرسی داشت که کافی بود لب تر کند تا دو- سوم ملت از صبحانه بی نصیب شوند) تمام اعضای دنیای تبهکاران به صرف شام در پرت آمبوی دعوت شدند، در آن جا بود که کلو مبرارو به همه گفت که نزاع های داخلی میان آن ها باید متوقف شود و از آن به بعد هم باید لباس های آپرومندان ای بپوشند و دیگر هم ولگردی نکنند. نامه هایی که پیش از این با تهدید امضا می شد حالا دیگر با «بهترین آرزوها» پایان می یافت و همه ی مناطق به یکسان تقسیم شدند و نوچرسی هم رسید به مادر کلو مبرارو. این گونه بود که مافیا، یا کوزا نوسترا (در معنای لفظی یعنی «مسواکام» یا «مسواک مان») متولد شد. دو روز بعد کلو مبرارو رفته بود داخل وان آب داغ که حمام کند و چهل و شش سال است که خبری از او نیست.

ساختار چماق به دست ها

کوزا نوسترا ساختاری مشابه دولت یک کشور یا سازمانی بزرگ - یا گروهی گانگستر- دارد. در راس، کاپو دی توتی کاپی، یاریس همه ی رؤسا قرار دارد. ملاقات ها در خانه ای او برگزار می شود و او مسؤول فراهم کردن گوشت سرد و بیخ است. انجام ندادن این مسؤولیت به منزله ی مرگ آبی است. (ضمناً، مرگ یکی از بدترین حوادثی است که ممکن است برای یک عضو کوزا نوسترا رخ دهد، و از همین رو بسیاری ترجیح می دهند که؟؟؟). زیر دست رییس رؤسا، جانشین های او قرار دارند که هر کدامشان به همراه خانواده اش بخشی از شهر را می گردانند. خانواده های مافیا شامل همسر و فرزندان نیست که دائماً به جاهایی مثل سیرک و پیک نیک بروند. بلکه در واقع شامل گروهی از افراد بسیار جدی است که لذت اصلی شان در زندگی این است که ببینند هر کس پیش از غرق کامل در ایست ریور چه قدر دوام می آورد. عضویت در مافیا هم پیچیدگی های خاص خودش را دارد. یک عضو از پیش معین چشم بسته به داخل اتاق تاریکی فرستاده می شود. تکه های خربزه ی «کرنش او» در جیب هایش گذاشته می شود و او باید لی لی کند و داد بزند، «تودلز! تودلز!» و بعد لب پای اش کشیده می شود و توسط تک تک اعضای آن بخش، یا کمپسیون، گاز گرفته می شود؛ حتی بعضی ها دوست دارند که دو بار این کار را انجام دهند. بعد از این بخش، مقداری جو پر سرش ریخته می شود. اگر شکایت کند، حائز شرایط شمرده نمی شود. ولی اگر بگوید «خوبه، دوست دارم جو رو سرم بریزین» پیمان برادری بسته می شود. این عمل با پوشیدن گونه ها و فشردن دست همراه است، از آن لحظه به بعد، او حق ندارد چاشنی هندی بخورد، برای تفریح دوستان ادای مرغ در بیاورد، یا کسی را بکشد که اسمش ویتو است.

نتیجه گیری

جنایت سازمان یافته آفتی برای ملت ماست. در حالی که بسیاری از جوانان امریکایی به خیال داشتن زندگی راحت به کارهای خلاف روی می آورند، اغلب جنایت کاران مجبورند ساعت های زیادی کار کنند و در ساختمان هایی هستند که تهویه ی هوا ندارد. شناسایی جنایت کاران وظیفه ی تک تک ماست. بعضی مواقع می توان از دکمه های بزرگ سردستان شناخت شان، و یا از این قضیه که وقتی فرد کناری شان می خورد زمین، آن ها نمی توانند حتی برای لحظه ای جلوی خنده خود را بگیرند. بهترین شیوه های مبارزه با جنایت سازمان یافته این هاست:

- ۱- به جنایت کاران بگویند که منزل نیستید.
- ۲- وقتی که می فهمید چند نفر آدم مشکوک از شرکت خشک شوئی سیسیل در سرسرای منزلتان شروع کرده اند به آواز خواندن، به پلیس اطلاع دهید.
- ۳- استراق سمع.

استراق سمع نباید بی هدف انجام شود ولی اهیت آن را می توان از متن مکالمه ی ضبط شده ی زیر دریافت؛ این مکالمه ای بین دو رییس گانگستر در نیویورک که تلفن شان توسط اف.بی.ای ضبط شده است.

آنتونی: سلام؟ ریکو؟

ریکو: سلام؟

آنتونی: ریکو؟

ریکو: سلام.

آنتونی: ریکو؟

ریکو: صلت رو نمی شنوم.

آنتونی: ریکو، تویی؟ صلت رو نمی شنوم.

ریکو: چی؟

آنتونی: صدام رو می شنوی؟

ریکو: سلام؟

آنتونی: ریکو؟

ریکو: خط خرابه.

آنتونی: صدام رو می شنوی؟

ریکو: سلام؟

آنتونی: ریکو؟

ریکو: سلام؟

آنتونی: ریکو؟

ریکو: سلام؟

آنتونی: اپراتور، خط خرابه.

ریکو: قطع کنین و دوباره بگیرین، آقا.

ریکو: سلام؟

به استاد همین گفت و گو، آنتونی (ماهی) روتونو و ریکو پانزده میچکوم شدند و هم اکنون پانزده سال است که به جرم مالکیت غیر قانونی پنشن هزست پیپر سینگ سینگ زندانی اند.

